

فَاطِمَةُ

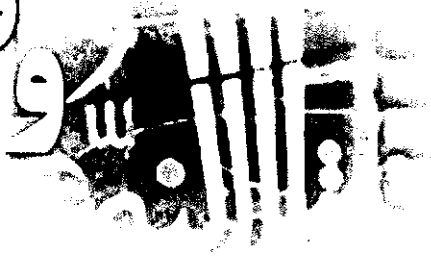
عليها السلام

و نقل حدیث

صلی اللہ علیہ و آلہ

از پیامبر

محمد جواد طیبسی



آغاز:

رسیده است. واقعاً جای تأسف است که امت از این گوهر ناشناخته پس از پیامبر ﷺ هیچ استفاده نکرده، به جای آن که از طریق این بانوی با عظمت به مسائل مهم جامعه زنان دست یافته و درس های زیبا و شیرینی را نسبت به راه و روش زندگی از دو لب مبارکش بشنوند، به غیر از خون دل دادن به حضرتش کار دیگری نکردند.

فاطمه مخزن اسرار پیامبر

حارثة بن قدامه از سلمان از عمار از حضرت فاطمه ﷺ مطلبی را نقل کرده که نشان می دهد که سینه زهرا ﷺ در بردارنده چه علوم و اسراری از پدرش رسول خدا ﷺ بوده که

موقعیت ممتاز حضرت فاطمه زهرا ﷺ این فرصت را به حضرتش داد تا معارف اسلامی را بدون واسطه از پدر بزرگوارش فراگیرد، معارفی که جز او و فرزندانش کسی دیگر به کنه و عمق آن نرسید. از حضرت فاطمه زهرا ﷺ به روایت از پیامبر ﷺ احادیثی شامل مطالب اخلاقی، اجتماعی، اعتقادی، تفسیری، از قبیل احترام به همسر، رعایت حقوق همسایگان و مطالبی دیگر پیرامون فضائل علی ﷺ و شیعیان و پیروان آن حضرت، برخی از پیشگویی ها، برخی از دعاها، موقع استجابت دعا و ...

برگشتی. علی علیه السلام فرمود: آیا نور فاطمه از نور ما است؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آیا نمی دانی؟ پس علی علیه السلام به سجده افتاده خدا را شکر کرد. عمار گفت: پس امیر مؤمنان علیه السلام از محضر پیامبر صلی الله علیه و آله خارج شده و بر فاطمه علیه السلام وارد شد و من همراهش وارد شدم. فاطمه علیه السلام فرمود: گویا خدمت پدرم رفتی و آنچه را که به تو گفته بودم، به عرضش رساندی.

فرمود: آری، فاطمه جان. فاطمه فرمود: بدان ای اباالحسن! خداوند نور مرا خلق کرد در حالی که او را تسبیح می گفت و این نور را به درختی از درختان بهشت سپرد و این درخت بر اثر نور من نورافشانی می کرد تا این که پدرم در وقت معراج، وارد بهشت شد، خداوند همان وقت بر دل پدرم انداخت تا میوه ای از همان درخت بچیند و تناول کند، سپس این نور را به مادرم سپرد که مرا به دنیا آورد و من از همان نور می باشم ...^۱

اهتمام فاطمه علیه السلام نسبت به احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله

از برخورد حضرت فاطمه علیه السلام

امیر مؤمنان علیه السلام را به حیرت در آورده بود.

روایت شده است روزی عمار به سلمان فارسی گفت: «آیا می خواهی چیز عجیبی را از فاطمه علیه السلام برایت نقل کنم؟»

سلمان گفت: گفتم آری، نقل کن ای عمار! او گفت: روزی علی علیه السلام را دیدم که بر فاطمه وارد شد. تا چشم فاطمه علیه السلام به علی علیه السلام افتاد، فریاد زد: علی جان! نزدیک شو تا درباره آنچه که گذشته و آنچه که خواهد شد و آنچه که اتفاق نمی افتد تا روز قیامت برایت بگویم.

عمار گفت: دیدم که امیر مؤمنان آرام آرام به عقب برگشت و من هم با برگشتن علی علیه السلام به عقب برگشتم. آن حضرت آمد تا بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: یا ابا الحسن! پیش بیا، همین که در محضر پیامبر صلی الله علیه و آله نشست، فرمود: تو مرا خبر می دهی یا من تو را خبر دهم؟

علی علیه السلام فرمود: شنیدن حدیث از شما بهتر است ای رسول خدا. حضرت فرمود: بر فاطمه داخل شدی و به تو چنین و چنان گفت و همان دم

ظلم آشکاری

که پس از پیامبر ﷺ به اهل بیت
آن حضرت شد،

بزرگترین مانع از نشر

و گسترش احادیث

اهل بیت ﷺ علی الخصوص

فاطمه زهرا ﷺ بود تا آنجا که

آن‌هایی هم که از او

روایتی شنیده بودند،

به خاطر ترس و وحشتی که

حاکم بود، از نقل آن‌ها خودداری

کرده، در سینه‌های خود

پنهان کردند

فاطمه ﷺ رسید. گفت: ای دختر
رسول خدا! آیا از پیامبر ﷺ چیزی نزد
شما مانده است که به من مرحمت
کنید، حضرت به خدمتکار خود
فرمود: آن جریده را بیاور. خدمتکار به
جست و جو پرداخت ولی آن را پیدا
نکرد.

حضرت فاطمه ﷺ فرمود: وای بر
تو، آن جریده نزد من با حسن و حسین
بسرابری می‌کند. خدمتکار پس از
جست و جوی بسیار آن را پیدا کرده و
به خدمت فاطمه ﷺ آورد. معلوم شد
موقع جاروب کردن آن را در ظرف
خاکروبه انداخته است. و در این
جریده چنین نوشته بود:

حضرت محمد ﷺ فرمود: «لیس
من المؤمنین من لم يعمل جاره بواقعته و
من کان یؤمن بالله والیوم الآخر فلا
یؤذی جاره و من کان یؤمن بالله والیوم
الآخر فلیقل خیراً او یسکت. انّ الله
تعالی یحبّ الخیر الحلیم المتعفف و یبغض
الفاحش العنید البزء السائل الملحف. انّ
الحیاء من الایمان والایمان فی الجنته؛ از
مؤمنین نیست کسی که همسایه از آزار
وی در امان نباشد، هر کس به خدا و
روز قیامت ایمان دارد، همسایه‌اش را

نسبت به حفظ و نگهداری احادیث
پیامبر ﷺ چنین بر می‌آید که وی به
احادیث و آثار پیامبر ﷺ بیش از هر
چیز اهمیّت می‌داد تا جائی که روزی
برای لحظاتی یکی از همان احادیث را
در کنار خود ندید، سخت برآشفته و از
خادمه خود خواست تا هر چه زودتر
آن را پیدا نموده و حاضر سازد.

شقیق بن سلمه از ابن مسعود نقل
کرده است: «مردی به حضور

هم که از او روایتی شنیده بودند، به خاطر ترس و وحشتی که حاکم بود، از نقل آن‌ها خودداری کرده، در سینه‌های خود پنهان کردند.

ابوهریره در این رابطه می‌گوید: تا زمانی که عمر زنده بود، ما جرأت نداشتیم یک حدیث از پیامبر ﷺ نقل کنیم.^۳

و ممکن است چون بسیاری از این احادیث در فضل اهل بیت ﷺ خاصه علی بن ابی طالب ﷺ بوده، آن‌ها را شنیده‌اند اما از روی دشمنی و کینه‌ای که با اهل بیت و علی ﷺ داشتند، از بیان آن احادیث خودداری کردند.

راویان حدیث از حضرت

فاطمه ﷺ

عده نسبتاً زیادی از حضرت زهرا ﷺ حدیث نقل کرده‌اند که علاوه بر امیر مؤمنان، امام حسن، امام حسین، حضرت زینب و ام‌کلثوم افراد زیر به نقل حدیث از حضرتش پرداخته‌اند:

- ۱- سلمان فارسی ۲- ابوذر غفاری
- ۳- جابر بن عبدالله انصاری
- ۴- عبدالله بن مسعود ۵- یحیی بن جعد
- ۶- حکم بن ابی نعیم ۷- عمرو بن الشریح

آزار نمی‌دهد و هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد باید سخن خوب بگوید و گرنه ساکت باشد. خدای متعال اهل خیرِ بردبارِ عقیف را دوست می‌دارد و شخص بد زبان و سست و لجوج را دشمن می‌دارد. حیا از ایمان است و صاحب ایمان در بهشت است.^۲

چرا از فاطمه احادیث اندکی

بر جای مانده؟

این امر ممکن است چند جهت داشته باشد. یکی این که ایشان نسبی توانستند همانند سایر معصومین ﷺ آزادانه به نقل حدیث بپردازند. بدین جهت احادیث نقل شده از ایشان کم می‌باشد. ولی این احتمال به دو جهت صحیح نیست. زیرا اولاً راویان مرد از حضرتش روایت کرده‌اند و ثانیاً مگر روایت فقط به مردان منحصر بوده و زنان حق روایت نداشته‌اند.

علت دیگر: ظلم آشکاری که پس از پیامبر ﷺ به اهل بیت آن حضرت شد، بزرگترین مانع از نشر و گسترش احادیث اهل بیت ﷺ علی‌الخصوص فاطمه زهرا ﷺ بود تا آنجا که آن‌هایی

عایشه در حدود دویست و پنجاه و سه صفحه حدیث نقل کرده ولی از حضرت فاطمه علیها السلام حدود یک صفحه و نیم - که جمعاً ده حدیث می شود - نقل کرده است که حدیث اول و دوم و هشتم به یک مضمون اشاره شده، منتهی با این تفاوت که یکی را به صورت مجمل و دیگری با تفصیل بیشتری آورده است.

حال سؤال ما این است که آیا عایشه تا موقع رحلت آن حضرت نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله بیشتر بوده یا حضرت فاطمه علیها السلام. مگر به قول مورخین عامه، حضرت زهرا پنج سال پیش از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله به دنیا نیامده است؟ و آیا مگر همسری عایشه با رسول خدا صلی الله علیه و آله در مدینه صورت نگرفته است؟ حداقل هجده سال^۴ حضرت فاطمه علیها السلام در کنار پدر بوده است. حال سؤال ما این است که آیا در این هجده سال، سالی یک حدیث هم حضرت فاطمه علیها السلام از پدر روایت نکرده که حداقل هجده روایت از دوران مکه و مدینه برای فاطمه علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شود؟ ما اگر حضور ده ساله پیامبر صلی الله علیه و آله را در مدینه حساب کنیم، حضور و

۸- حذیفة بن الیمان ۹- ربیع بن حراش
 ۱۰- انس بن مالک ۱۱- ابوسعید خدری
 ۱۲- ابن ابی ملیکه ۱۳- ابوایوب انصاری
 ۱۴- ابوهریره ۱۵- بشیر بن زید ۱۶- سهل
 بن سعد انصاری ۱۷- ۱۸- شیبب بن ابی
 رافع ۱۹- عباس بن عبدالمطلب
 ۲۰- عبدالله بن عباس ۲۱- عوانة بن الحکم
 ۲۲- قاسم بن ابی سعید خدری ۲۳- هشام
 بن محمد ۲۴- زینب دختر ابو رافع
 ۲۵- عایشه ۲۶- ام سلمه ۲۷- اسماء بنت
 عمیس ۲۸- سلمی ام رافع و غیر از این ها
 که می توان به روایات این عده در دلائل
 الإمامة، بشارة المصطفی، امالی شیخ
 طوسی، کفایة الاثر، مسند فاطمه و ده ها
 کتاب دیگر دست یافت.

گلایه ای از مسندنویسان و سخنی با احمد

با توجه به شمار قابل توجه راویان حدیث از حضرت زهرا علیها السلام این گلایه را از همه مسندنویسان به ویژه احمد بن حنبل داریم که چرا نسبت به دختر پیامبر صلی الله علیه و آله آن همه بی توجهی کرده اند.

اما سخنی که با احمد داریم این است که اگر ما به جلد ششم مسند نگاهی بیفکنیم، خواهیم دید که وی از

مسند است یا کتاب فضایل؟

اما سخنی که با سیوطی متوفای (۹۱۱ ه. ق) داریم این است که وی مسندی برای حضرت فاطمه علیها السلام جمع کرده است که خواننده در ابتدا فکر می‌کند، وی دویست و هشتاد و چهار حدیث از احادیثی را که حضرت فاطمه علیها السلام نقل کرده، در این کتاب آورده است. اما بعد روشن می‌شود که چنین خبری نیست، زیرا از نام‌گذاری خود کتاب مشخص است که مؤلف بین روایاتی که حضرت فاطمه علیها السلام نقل کرده و بین روایاتی که در فضل و مقام حضرت فاطمه علیها السلام نقل شده، جمع کرده است و نام آن را مسند گذاشته است.

و از دویست و هشتاد و چهار شماره‌ای که در مقابل احادیث زده شده، فقط سی و چهار حدیث را حضرت فاطمه علیها السلام نقل کرده که دو حدیث از آن‌ها با دیگری اشتراک در نقل دارد و با این بیان به نظر می‌رسد اگر نام کتاب را احادیث فی فضل فاطمه علیها السلام می‌گذاشت، بهتر بود. زیرا چیزی که در آن بسیار کم به چشم می‌خورد، مسند فاطمه است. ثالثاً از سی و

دو حدیث محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله توسط فاطمه علیها السلام بیشتر می‌باشد یا عایشه؟ با توجه به این که پیامبر صلی الله علیه و آله با حضرت فاطمه علیها السلام بیشتر همدم و همراز بوده، حضرت فاطمه علیها السلام می‌باید بیشتر روایت داشته باشد یا عایشه؟

آیا ملاقات پیامبر صلی الله علیه و آله با حضرت فاطمه علیها السلام بیشتر بوده یا با عایشه که از هر چند شب یک شب نزد او بوده است؟

از نویسنده مسند احمد باید پرسید مگر پیامبر صلی الله علیه و آله در این مدت نه سال به خانه زهرا علیها السلام رفت و آمد نداشته؟ آیا به هنگام ملاقات کاملاً سکوت می‌کرده تا بگوئیم فقط نه یاده روایت از پدرش نقل کرده است؟ آیا چنین چیزی باور کردنی است؟ آیا به هنگام میلاد امام حسن، امام حسین و حضرت زینب کبری، آن حضرت جهت تبریک به خانه زهرا علیها السلام نرفته و چیزی نفرموده که وی آن‌ها را ضبط کند؟ آیا به هنگام رحلت و روزهای بیماری، فاطمه به عیادت پدر نرفته و هیچ حدیث و روایتی از او نقل نکرده؟ آیا این ظلم آشکار از یک عالم حدیث شناس بخشودنی است؟

فاطمه به وسیله هر یک از آن‌ها به دست ما رسیده است و آن چه را که دشمن در پی از بین بردن یا تضعیف آن‌ها بود، اهل بیت احیا کردند و مطالب گوناگونی از قبیل مناقب، فضائل، روش زندگی، سیره و سنت و رفتار حضرت فاطمه علیها السلام در زندگی نه ساله‌اش، برخوردها و گفت و گوهای وی با پیامبر صلی الله علیه و آله در بسیاری از مسائل اخلاقی، اجتماعی، معنوی و ده‌ها موضوع دیگر را به عنوان میراث اصیل حضرت فاطمه علیها السلام برای آیندگان به یادگار گذاشتند که در کتاب‌ها و منابع دست اول شیعه فراوان به چشم می‌خورد، بدین جهت باید احادیث حضرت فاطمه علیها السلام را از لابلای گفته‌های امامان معصوم به دست آورده و از اندیشه‌های والایش بهره برد.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- عیون المعجزات، ص ۵۴ و بحار، ج ۴۳، ص ۸.
- ۲- اخلاق حضرت فاطمه، ص ۵۸؛ مسند فاطمه زهرا، ص ۵۸۵؛ سفینه البحار، ج ۱، ص ۲۲۹ و دلائل الامامة، ص ۱.
- ۳- الغدير، ج ۶، ص ۲۹۵.
- ۴- بنا به قول کلبی که فاطمه علیها السلام در سن سی و پنج سالگی از دنیا رفته، باید گفت: حدود بیست و پنج سال در مکه در خدمت پدر بوده است. ذخائر العقبی، ص ۵۲.

چهار حدیث یاد شده، دو روایت سه بار تکرار شده و هفت حدیث دو بار تکرار گشته است که با حذف احادیث مکرر فقط بیست و چهار حدیث باقی می‌ماند.

و بقیه احادیث نقل شده، جز یک حدیث که از تیغ محقق کتاب جان سالم به در برده، به نظر آقای فواز احمد زمزلی محقق کتاب مسند فاطمه سیوطی، یا ضعیف هستند یا مجهول یا مرفوع یا مرسل و سرانجام برای هر کدام عیبی تراشیده که در نتیجه به نظر ایشان از حضرت فاطمه علیها السلام هیچ حدیث صحیحی از پدرش نرسیده است. آیا بی‌انصافی بیش از این قابل تصور است.

گسترش فرهنگ کوثر به وسیله معصومین علیهم السلام

اگر چه دشمنان اهل بیت علیهم السلام دست به تلاش وسیع و گسترده‌ای زدند تا جلوی گسترش فرهنگ کوثر را بگیرند و متأسفانه در برخی زمینه‌ها نیز موفق گردیدند و در برخی کتاب‌های حدیثی اثر منفی خود را گذارد اما امامان معصوم علیهم السلام با جدیت تمام تا حدودی توانستند مانع گسترش این کار شوند. از این رو مشاهده می‌کنیم که مطالب فراوانی از زبان